پژوهش دینی

Pazhouhesh Dini

شمارهٔ ۴۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۹
صص ۱۰۵ـ۱۲۷ (مقاله پژوهشی)

No. 41, Autumn & Winter 2020/2021

واکاوی معنایی واژه تربیت و رهیافت معنایی واژه ربوبیت در قرآن

زهرا رزاززاده[۱]، محمدرضا حاجی اسماعیلی[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۸/۲۶ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۹/۱۰)

چکیده

واژه ربوبیت از ریشه «ربب» به معنای پرورش دادن و البته نمونه‌های قرآنی آن که از نظر معنایی هم‌راستا با این واژه است، در ساختار صرفی از ریشه «ربو» به شمار آمده؛ ربوبیت را اما از منظر قرآن می‌توان به دو نوع تکوینی و تشریعی تقسیم نمود و تکوینی را نوعی هدایت غیرمستقیم و نامحسوس که اختصاصی به انسان ندارد و تشریعی را ویژه انسان دانست که مشخصه بارز آن ارسال پیامبران و کتب آسمانی در امر هدایت است؛ البته ربوبیت را با همین مفهوم می‌توان به عام و خاص تقسیم نمود و ربوبیت عام را افزون بر پروراندن و تربیت همه انسان‌ها به یک اندازه به پرورش همه موجودات در نظام هستی تعمیم داد و ربوبیت خاص را نوع ویژه‌ای از تربیت الهی دانست و پرورش انسان‌های خاص مثل پیامبران را از این مقوله به‌شمار آورد. این پژوهش تلاش کرده تا مصادیق ربوبیت «ربّ‌العالمین» را که همگی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط با انسان است، نخست دسته‌بندی و سپس مفهوم‌یابی کند. بدین منظور لایه‌های معنایی هر یک را با توجه به سیاق آیات و در حوزه ربوبیت الهی تبیین نموده است. از نتایج این مطالعه اثبات خاص بودن انسان نزد خداوند است که ربوبیت ویژه الهی را نصیب او کرده، پیامبران را در بهترین شکل آن پرورش می‌دهد تا هدایت تشریعی سایر انسان‌ها را که از مصادیق ربوبیت است، از طریق ایشان جاری فرماید.

کلید واژه‌ها: قرآن، تربیت، رب، ربوبیت عام، ربوبیت خاص.

---

۱. دانشجوی رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران، z.razazzadeh@gmail.com

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان. اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)؛ m.hajis1@yahoo.com

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

۱- طرح مسأله

پروردگاری که دارای همه نام‌های نیکو و هستی آفرین است همیشه در کاری است «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» (الرحمن،۲۹) این «به کاری بودن» همان ربوبیت خداوندی، به معنای پروراندن و تربیت از جانب او است. پس با توجه به شریفه «وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ» (محمد، ۳۸) نه تنها انسان بلکه کل هستی محتاج تدبیر و تربیت «رب‌العالمین» است، چنانچه اگر لحظه‌ای در کار ربوبیت نباشد، چراغ هستی خاموش و اگر شریکی در ربوبیت او پدیدار گردد، به ناگهان همه چیز نابود می‌شود. آفرینش هر آنچه موجود است به دست ربّ است، به این معنا که امر آفرینش جلوه ای از ربوبیت اوست و چون همه هستی برای خدمت به انسان آفریده شده باید خلقت انسان نوع ویژه‌ای از ربوبیت او تلقی شود. بر همین اساس هر فعل الهی که مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط با انسان باشد، ربوبیت او نسبت به انسان به شمار می‌آید؛ خواه ربوبیت تکوینی باشد همانند استعدادهایی که در نهاد او به ودیعت گذاشته؛ خواه ربوبیت تشریعی که همان ارسال رسل و کتاب و آیه و برهان و بینه است.

با توجه به اینکه هر فعل خداوند نوعی از ربوبیت اوست؛ پس همه موجودات تحت تربیت او هستند و گستره ربوبیت او می بایست شمولیتی در حد همه هستی و خلقت داشته باشد، با این حال طبیعی است که نوع تربیت موجودات با یکدیگر متفاوت است. بر این اساس سئوال این است که ارتباط ربوبیت و تربیت الهی و گستره ربوبیت و مصادیق آن به توجه به آیات وحیانی و نیزجایگاه انسان به عنوان آفریده خاص خداوند در طرح تربیتی او چگونه است؟ این پژوهش بر آن است تا آیات قرآنی مرتبط با موضوع ربوبیت که همگی به طور مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط با انسان است را دسته بندی، مفهوم یابی و مصادیق و کارکردهای آن را استخراج کند. بدین منظور با توجه به سیاق آیات و در حوزه ربوبیت الهی، واژه تربیت و مشتقات آن را تبیین نموده است. از آنجا که فرایند این پژوهش

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

براساس دسته‌بندی و تحلیل مضمون آیات است، بیشتر در بخش واژه‌شناسی، به منابع ارجاع گردیده است.[۱]

۲- بررسی مفهوم واژه تربیت در لغت و اصطلاح

پژوهش و تحقیق درباره مفهوم «تربیت» دارای قدمتی دیرینه است که با عناوین مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته. واژه «تربیت» عبارت از پرورش هر چیزی است تا به رشد و کمال، برسد. (راغب اصفهانی، ۳۱۸) اما در عوالم و موارد مختلف دارای مصادیق و معانی گوناگونی است. این واژه در قرآن کریم ۹۸۰ مرتبه در ۹۴ سوره و ۸۷۱ آیه با واژه‌هایی از ریشه ربب مانند رب ، ربکم ، اربابا، ربیون و ... ، و ۲۰ مرتبه در ۱۲ سوره و ۱۵ آیه با ریشه ربو در ساختارهای مختلفی مانند الربا، یُربی، رابیا، اربی، رَبیانی در معانی و مفاهیم گوناگونی استعمال گردیده بنابراین کاربرد واژه «تربیت» از ریشه «ربب» در قرآن بسیار زیادتر از ریشه «ربو» است. اگر چه هرکدام از این کاربردها ثمراتی خواهد داشت که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

بسیاری از منابع لغوی ذیل ریشه «ربّ» و منابع معتبر تفسیری ذیل واژه «ربّ العالمین» در سوره «الفاتحه» آورده‌اند که «ربّ» با واژه تربیت ارتباط دارد، حتی بعضی از منابع معتبر لغوی مانند لسان العرب و تاج العروس برخی از مشتقات کلمه «تربیت» مانند «ربّب»، «ربّی»، «تَربَّب» و «تربّی» را به رغم این‌که از دو ریشه متفاوت «ربب» و «ربو» می‌باشند در کنار یکدیگر ذکر می‌نماید. حال با وجودی که واژه «تربیت» از ریشه «ربو» است اما چرا در

---

۱. *پیشینه تحقیق:* علیرغم پژوهش‌های متنوعی که تاکنون با موضوع «ربوبیت» و تحلیل آیات مشتمل بر آن انجام گرفته، مطالعه‌ای که حاوی پیشینه این پژوهش به شمار آید، یافت نشد. برخی از این مطالعات عبارتند از: مقاله «ربوبیت و تربیت» به خامه احمد ترابی (مجله پژوهشهای قرآنی؛ سال ۱۳۸۹؛ شماره۶۱)؛ مقاله «نسبت عدالت و ربوبیت حق تعالی از منظر قرآن کریم» نوشته ابراهیم راستیان و ابراهیم خانی (مجله بلاغ مبین؛ سال ۱۳۹۳؛ شماره ۳۹ـ ۳۸)؛ مقاله «روش طرح مفهوم ربوبیت در قرآن (نمونه موردی :پنج سوره ابتدای نزول)»، نوشته عبدالکریم بهجت‌پور و محمد سلطانی (مجله پرتو وحی؛ سال ۱۳۹۴؛ شماره ۲) که نویسندگان روش طرح مفهوم ربوبیت را در پنج سوره ابتدای نزول بررسی نموده‌اند. بررسی این مقالات حاکی از آن است که این مطالعات به طور ویژه به بازیافت معنایی واژه تربیت وتبیین کارکردهای معنایی واژه ربوبیت در قرآن کریم اهتمام نداشته‌اند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

قرآن‌کریم که بدون شک، کامل‌ترین و آخرین کتاب تربیتی خداوند است، این واژه از ریشه «ربّ» و «ربب» بسیار بیشتر از ریشه «ربو» بکار رفته است. پرسش این است که آیا بین کلمه «ربّ» از ریشه «ربب» و واژه تربیت از ریشه «ربو» هم‌خوانی و هم‌گرایی معنایی وجود دارد؟ و اگر چنین است، آیا این رابطه لغوی و لفظی است و چگونه می‌توان هم‌گرایی و هم‌خوانی رابطه لغوی و لفظی دو واژه ربّ و تربیت را مشخص نمود؟

همانگونه که پیش از این اشاره شد از منابع لغوی معتبر، استفاده می‌شود که واژه «تربیت» با دو واژه لغوی «ربو» و «ربب» در ارتباط است. بدین صورت که تربیت مصدر باب تفعیل می‌باشد و به دلیل معتل و ناقص بودن ریشه لغوی آن، وزن مصدری آن همانند «تزکیه» بر وزن «تفعله» آمده است، «ربّی یربی تربیة» مانند «زکّی یزکّی تزکیة».

البته بسیاری از کتاب‌هایی که با موضوع تعلیم و تربیت نگاشته شده هنگام پژوهش در مورد «تربیت» آن را از ماده «ربو» بحساب آورده اند، اما نگارنده کتاب «النظام التربوی فی الاسلام» با تکیه به بعضی از منابع لغوی معتبر، تصریح نموده که تربیت در لغت، از ماده «ربب» است، «التربیة فی اللغة ماخوذة من ربّ ولده و الصبی یربّه» (شریف قریشی ،۴۱). پس با نگاه اجمالی به دیدگاه لغویان مشخص می شود که واژه «تربیت» دارای دو ریشه لغوی «ربو» و «ربب» است. اما به دلیل آن که برای هر کلمه‌ای نمی‌توان بیش از یک ریشه اصلی در لغت قائل بود این پرسش مطرح است که کدام یک از این دو ریشه اوّلی و اصلی و کدام ثانوی و فرعی است؟ در پاسخ به این پرسش، بررسی دیدگاه لغویان ضروری است. که در ادامه به اختصار بدان اشاره می شود:

۲-۱. نظریه اول

راغب در مفردات بیان می‌دارد: «الربّ فی الاصل التربیة... (راغب اصفهانی، ۱/ ۳۱۸) ربیّت الولدان فَرَبَا من هذا (ربو) و قیل: اصله من المضاعف فقلب تخفیفا.» (همو، ۳۲۲/۱) از ظاهر کلام راغب چنین برداشت می‌شود که «تربیت» از ربو مشتق شده، نه از «ربب»

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

مضاعف («مضاعف» آن است که حروف عین الفعل و لام الفعل آن یا فاء الفعل و عین الفعل آن همانند و همجنس باشند.) مانند: ربب، مدد، سدد، ددن. (طباطبایی، ۲۰) بنابراین نظریه ریشه اصلی و اوّلی واژه تربیت، «ربو» است.

۲-۲. نظریه دوم

ابن منظور در لسان العرب بیان داشته: «تَرَبَّبَهُ وَارْتَبَّهُ و ربّاه تربیة علی تحویل التضعیف و تربّاه علی تحویل التضعیف ایضا.» (ابن منظور، ۱۶/ ۴۰۱) زبیدی نیز در تاج العروس نقل نموده است: «ربّ الولد والصبی یربّه ربّاه ... کربّبه تربیبا... و ربّاه تربیةً علی تحویل التضعیف.» (زبیدی، ۲۱/ ۷) از سخن ابن منظور و زبیدی که بیان نموده‌اند «ربّاه تربیة علی تحویل التضعیف» برداشت می‌شود «ربّی» در اصل «ربّب» و مضاعف است که به علت ایجاد سادگی در تلفظ حروف و تخفیف، حرف باء دوم تبدیل به حرف علّه یاء شده و سپس، مصدر آن به دلیل معتل بودن فعل «ربّی» بر وزن تفعله بیان شده است. (ربّب ربّی یربّی تربیة)، از کلام ابن منظور و زبیدی برداشت می‌شود. «ربب» ریشه اصلی و اوّلی و «ربو» ریشه فرعی و ثانوی «تربیت» است.

ظاهرا از دو نظریه پیش گفته دیدگاه دوم بیشتر قابل دفاع است؛ زیرا تبدیل شدن یکی از حروف کلمه مضاعف به حرف علّه در علم صرف مبتنی بر قاعده و قانون است از این رو، در زبان عربی نیز دارای شواهد زیادی است. سیوطی در کتاب المزهر اشاره کرده که: یکی از انواع ابدال و تبدیل حروف به یکدیگر ابدال در برخی کلمات مضاعف است و ابوعبید گفته است که عرب حروف مضاعف را به یاء تبدیل می‌نماید که از جمله آن‌ها کلمه «دسّا» در سخن خداوند تبارک و تعالی «و قد خاب من دَسّها» (شمس، آیه۱۰) است. «دسّا» از «دَسَّس» مشتق شده است. الابدال فی المضاعف. و من المضاعف قال ابو عبیده: العرب تقلب حروف المضاعف الی الیاء، و منه قوله تعالی، و قد خاب من دسّاها» هو من دسّست (سیوطی، ۳۶۱/۱). نتیجه این که قاعده صرفی ذکر شده و شواهد بسیاری، دلیل محکمی بر صحّت دیدگاه دوم است که «ربب» را به عنوان ریشه اصلی و اوّلی «تربیت» و «ربو» را ریشه فرعی و ثانوی آن بیان نماید.

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

ظاهرا کسانی که «ربو» را به عنوان ریشه واژه تربیت ذکر نموده، ریشه فرعی و ثانوی آن را ملاک قرار داده اند، ولی کسانی که «ربب» را به عنوان ریشه «تربیت» ذکر نموده اند، ریشه اصلی آن قبل از پدیدار شدن تغییرات در آن را مورد توجه قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد برای یک واژه، خصوصا واژگانی که در اثر اعمال برخی قواعد ادبی در حروف آن‌ها تغییراتی ایجاد می‌شود، می توان معتقد به تعدد ریشه لغوی بود که از جمله آن‌ها، می‌توان واژه تربیت را بیان نمود که دارای ریشه اوّلی «ربب» و ریشه ثانوی «ربو» است. بیان نمودن دو ریشه اولی (ربب) و ریشه ثانویی (ربو) برای «تربیت» در واقع، به منزله ارتباط دو نظریه ذکر شده و مبیّن وجه جمعی بین آن دو می‌باشد.

۳- بررسی مفهوم واژه ربوبیت در قرآن کریم

هر چند به قرآن کریم از منظر یک منبع لغوی نگریسته نمی‌شود و ما نیز در ابتدا به بررسی ریشه لغوی «تربیت» از منابع لغوی پرداخته و این واژه را بررسی نمودیم، اما توجه به آیه «و **هذا لسان عربی مبین**؛ (النحل، ۱۰۳)» حاکی از ان است که زبان قرآن، عربی مبین و معجزه جاوید پیامبراکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) برای هدایت و تربیت بشر و اعجاز آن در ابعاد ادبی برای بیان مقاصد خویش امری غیرقابل تردید و مسلّم است، به‌طوری که ادیبان سرشناس عصر نزول قرآن نیز به اعجاز آن در ابعاد ادبی‌اش شهادت داده‌اند (سعیدی روشن، ۱۰۵). اما واژهٔ تربیت و مشتقات آن در قرآن کریم بیش از هزار مرتبه به‌کار رفته و غالب وجوه معنایی ذکرشده برای آن از موارد ذیل هستند:

الف) به معنای ذات پروردگار (اسم فاعل) نظیر آیه‌های الانعام،۱۶۴؛ الاعراف،۵۴؛ التوبه، ۱۲۹؛ الرعد،۱۶؛ الاسراء،۱۰۲.

ب) به معنای مربی (صفت مشبهه) نظیر آیه‌های: المائده، ۴۴ و ۶۳؛ آل‌عمران، ۷۹.

ج) به معنای متربیان و شاگردان نظیر آیه: آل عمران، ۱۴۶.

د) به معنای رشد و نمو جسمی نظیر آیه‌های: الاسراء، ۲۹؛ الشعراء: ۱۸.

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

این واژهٔ همچنین در سیاق‌های متعدد و لایه‌های متفاوتی از قرآن استعمال گردیده بدین‌گونه که در برترین لایه به صورت «ربّ» و بطور اطلاق فقط بر خداوند که متکفّل اصلاح موجودات است به کار رفته و در لایه‌ای دیگر، بر غیر خدا اطلاق گردیده و به عنوان کسی که وظیفه‌اش تربیت ثابت و با دوام است به‌کار رفته این لایه دارای لایه‌های متفاوت دیگری نیز هست که در بالاترین قسمت آن، این واژه به انسان‌های والامرتبه مانند پیامبران و دین یاران و ملائکه به عنوان مربی (ربانی) اختصاص یافته و در لایه بعدی این واژه به پدر و مادر اشاره دارد؛ و پایین‌ترین لایه آن به معبودهای دروغین و بزرگان قوم اختصاص دارد؛ البته زیرین ترین لایه با واژه «الم نربّک» مشتمل بر خطاب فرعون به حضرت موسی است و در لایه‌ای دیگر، واژه ربیون است که در اصطلاح تربیتی به معنای متربیان و شاگردانی است که از تربیت خاص الهی بهره‌مند شده‌اند «ربیون».

٤- بررسی گستره ربوبیت خداوند از منظر قرآن کریم

ربوبیت الهی در همه اجزای عالم هستی گسترده و رب العالمین (الفاتحه،۱) همان گونه که آسمان ها و زمین را آفریده بر آن سیطره دارد: «**إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ فی سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوی عَلَی الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ ما مِنْ شَفيعٍ إِلاَّ مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَ فَلا تَذَكَّرُونَ**» (یونس، ۳)، ربوبیتش نیز همه اجزای عالم یعنی آسمان‌ها و زمین را فراگرفته است: «**رَبُّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَيْنَهُما فَاعْبُدْهُ وَ اصْطَبِرْ لِعِبادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا**» (مریم، ۶۵) . به همین دلیل نیز قرآن کریم از پیامبر(ص) می‌خواهد که در تبیین رابطه خود با رب، همه چیزش را از او بداند: «**قُلْ إِنَّ صَلَاتی وَ نُسُكی وَ محْيَایَ وَ مَمَاتی لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِين**» (الانعام،۱۶۲)، ربی که ربوبیتش شامل همه چیز است و به همین دلیل جز او برای انسان ربی نیست: «**قُلْ أَ غَيْرَ اللَّهِ أَبْغی رَبًّا وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَیْءٍ وَ لا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلاَّ عَلَيْها وَ لا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْری ثُمَّ إِلی رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِما كُنْتُمْ فيهِ تَخْتَلِفُونَ**» (الانعام،۱۶۴).

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

گستردگی ربوبیت خداوند را می‌توان به طور کلی از دو منظر مورد بررسی قرار داد؛ اول نسبتی که رب با عموم خلائق دارد و همه را تحت سیطره و پوشش خود، ربوبیت می‌کند و دوم انواع ربوبیت خاص که به طور ویژه پیامبران، مومنان یا حتی مجرمان را تحت ربوبیت خاص خود، متناسب با جایگاه افراد نامبره، قرار می دهد.

در هر دو دسته‌بندی آنچه بیش از همه مدنظر این پژوهش است و البته در خلال آیات قرآن نیز بیشتر به چشم می‌خورد، رابطه رب با انسان است که به دو صورت عام و خاص قابل بررسی است.

۵- ربوبیت عام الهی و اقسام آن

همانطور که اشاره شد، ربوبیت خداوند گسترده است و همه اجزای عالم هستی را فرامی‌گیرد. از منظر نسبتی که رب العالمین با عالم هستی دارد، ربوبیت عام الهی قرآن را می‌توان این چنین دسته‌بندی کرد:

۵-۱. در مواجهه با آفرینش

خداوند خالق آسمان‌ها و زمین است و به واسطه این خلقت، نسبت ربوبیت او با مخلوقات برقرار شده است: «**إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ فی سِتَّةِ أَيَّامٍ**» (الاعراف، ۵۴). از این نسبت به طور خاص در رابطه با انسان و خلقت او نام برده شده: «**خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْها زَوْجَها وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعامِ ثَمانِيَةَ أَزْواجٍ يَخْلُقُكُمْ فی بُطُونِ أُمَّهاتِكُمْ خَلْقاً مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فی ظُلُماتٍ ثَلاثٍ ذلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لا إِلـهَ إِلاَّ هُوَ فَأَنَّی تُصْرَفُونَ**» (الزمر،۶). همچنین در جریان خلقت آدم، باز ربوبیت است که در کار خلقت دست دارد: «**وَ إِذْ قالَ رَبُّکَ لِلْمَلائِكَةِ إِنِّی خالِقٌ بَشَراً مِنْ صَلْصالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ**» (الحجر، ۲۸). بنابراین انسان از حیث خلقتی که دارد با ربوبیت خداوند نسبت پیدا کرده و تحت ربوبیت عام او قرار گرفته است. در تبیین این نسبت در آیات قرآن، از سوی انسان دو وظیفه عبادت و تقوا تعیین شده است. بنابراین با معرفی رب به عنوان خالق هر چیز، از

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

انسان خواسته تا او را عبادت کند: «**ذلِکُمُ اللَّهُ رَبُّکُمْ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ خالِقُ کُلِّ شَیْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ وَکیلٌ**» (الانعام،۱۰۲)؛ چرا که این عبادت باعث برقراری ارتباط با رب شده و نهایتا مقدمات رابطه نزدیک‌تر با او را فراهم می‌سازد: «**یا أَیُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّکُمُ الَّذی خَلَقَکُمْ وَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ**» (البقره،۲۱). این ارتباط نزدیکتر همانطور که در آیه پیشین نیز بدان اشاره شده، تقواست که به معنای «توجه انسان به رابطه خود با خداوند و به پرهیز از مکدر شدن این ارتباط است» (حسینی و مطیع، ۸۹) و ایجاد رابطه نزدیک میان او و انسان را رقم می‌زند: «**یا أَیُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّکُمُ الَّذی خَلَقَکُمْ**» (النساء،۱).

۵-۲. در مواجهه با خلافت انسان

نسبت ربوبیتی که خداوند با انسان دارد پیش از خلقت در قالب خلافت انسان هویداست. چنانچه در آیات مربوط به خلقت اولیه انسان نیز آشکار است، خداوند از جایگاه ربوبیتش با ملائکه سخن گفته و خبر از خلافت انسان بر روی زمین می‌دهد: «**وَ إِذْ قالَ رَبُّکَ لِلْمَلائِکَةِ إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلیفَةً قالُوا أَ تَجْعَلُ فیها مَنْ یُفْسِدُ فیها وَ یَسْفِکُ الدِّماءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِکَ وَ نُقَدِّسُ لَکَ قالَ إِنِّی أَعْلَمُ ما لا تَعْلَمُونَ**» (البقره،۳۰). و این دلیل بر آن است که این موجود از ویژگی خاصی برخوردار است که دیگر موجودات امکانی از آن برخوردار نیستند؛ (جوادی آملی، ۳/ ۱۲) بنابراین طبق این آیه از دیگر شئون ربوبیت خداوند در مورد انسان، جایگاهی است که به عنوان خلیفه به او اعطا کرده است و از این جهت بر ملائکه برتری دارد.

۵-۳. در مواجهه با اخذ پیمان

خداوند علاوه بر اینکه نسبت انسان با ربوبیتش را بر ملائکه آشکار می‌کند از فرزندان آدم نیز بر ربوبیتش شهادت می‌گیرد: «**وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنی آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلی أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّکُمْ قالُوا بَلی شَهِدْنا أَنْ تَقُولُوا یَوْمَ الْقِیامَةِ إِنَّا کُنَّا عَنْ هذا**

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

غافِلینَ» (الاعراف،۱۷۲). در این آیه، خداوند عرضه ربوبیت را بـر انسـان یـادآور شـده و نشان می‌دهد که فطرت انسان نیز از این نسبت آگاه است.

۵-٤. در مواجهه با تحفظ الهی

از جمله شئون ربوبیت خداوند نسبت به انسان و عالم هستی، حفـظ آن اسـت. در آیـه ۵۷ سوره هود به این شأن از ربوبیت اشاره شده است. هود (ع) پس از ابلاغ رسالت خـود و عدم پذیرش قوم خود از ربوبیت پروردگاش با قوم سـخن مـی‌گویـد: «**فَـإِنْ تَوَلَّـوْا فَقَـدْ أَبْلَغْتُكُمْ ما أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَ يَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْماً غَيْرَكُمْ وَ لا تَضُرُّونَهُ شَـيْئاً إِنَّ رَبِّـي عَلـى كُلِّ شَيْءٍ حَفيظٌ**» (هود، ۵۷). استخلاف قومی بر قوم دیگر که در این آیه به آن اشـاره شـده است نشان از قدرت رب دارد که همه عالم تحت نظر و سیطره اوسـت. بنـابراین تسـلط و قدرت است که از وصف حفیظ برای رب استفاده شده است به این معنا که به واسطه قدرت مطلقش بر همه چیز عالم علم دارد و چیزی از نظر قدرت او پنهان نمانده و فوت نمی‌شـود و بر همه اجزای هستی تسلط دارد (طباطبایی،۱۰/ ۳۰۴؛ طیب، ۷/ ۷۳).

۵-۵. در مواجهه با اعطای امنیت و رزق

ابراهیم (ع) پس از آنکه خانه کعبه را بنا کرد، امینت و رزق را برای مردمـان سـاکن در جوار کعبه درخواست می‌کند: «**وَ إِذْ قالَ إِبْراهيمُ رَبِّ اجْعَلْ هذا بَلَداً آمِناً وَ ارْزُقْ أَهْلَـهُ مِـنَ الثَّمَراتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ قالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَليلاً ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلى عَـذابِ النَّارِ وَ بِئْسَ الْمَصيرُ**» (البقره،۱۲۶). درخواست ابراهیم (ع) از رب اسـت و او مـی‌دانـد کـه اعطای امینت و رزق از شئون ربوبیت خداوند است. در آیات دیگر قرآن نیز به رزاق بودن رب اشاره شده است. کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند از جانب او رزق دریافت می‌کنند: «**وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذينَ قُتِلُوا فی سَبيلِ اللَّهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْيـاءٌ عِنْـدَ رَبِّهِـمْ يُرْزَقُـونَ**» (آل‌عمـران، ۱۶۹). قرآن کریم در ابتدای سوره انفال نیز پس از وصف مومنان واقعی و به ویـژه انفـاقی

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

که از رزق دریافتی خود دارند، آنان را شایسته مقام قرب معنوی (طباطبایی، ۱۲/۹) و دریافت رزق کریم می‌داند: «**أُولئِکَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ کَریمٌ**» (الانفال،۴).

۵-۶. در مواجهه با ابتلای انسان

یکی دیگر از شئون ربوبیت خداوند، ابتلای انسان است و قرآن کریم ظلمی که از جانب فرعون به بنی اسرائیل رسیده را بلایی از سوی رب می‌داند: «**وَ إِذْ نَجَّیْناکُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ یَسُومُونَکُمْ سُوءَ الْعَذابِ یُذَبِّحُونَ أَبْناءَکُمْ وَ یَسْتَحْیُونَ نِساءَکُمْ وَ فی ذلِکُمْ بَلاءٌ مِنْ رَبِّکُمْ عَظیمٌ**» (البقره، ۴۹). بنابراین ابتلا و فرستادن بلا از سوی رب، از جمله شئون تربیتی او برای انسان است که او را تحت ربوبیت رب العالمین قرار می‌دهد.

۵-۷. در مواجهه با امرهدایت

هدایت به مسیر درست و یا در مقابل آن ضلالت و گمراهی انسان از مسائل مورد توجه در جای جای قرآن است به ویژه که قرآن کریم خود را نیز متضمن هر دو مسیر گمراهی و هدایت دانسته و خدای سبحان، اظلال و هدایت را به خود نسبت می‌دهد. (جوادی آملی، ۶۱۷/۲) و این مساله را به چگونگی برخورد مخاطبانش واگذار نموده است: «**إِنَّ اللَّهَ لا یَسْتَحْیی أَنْ یَضْرِبَ مَثَلاً ما بَعُوضَةً فَما فَوْقَها فَأَمَّا الَّذینَ آمَنُوا فَیَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَ أَمَّا الَّذینَ کَفَرُوا فَیَقُولُونَ ما ذا أَرادَ اللَّهُ بِهذا مَثَلاً یُضِلُّ بِهِ کَثیراً وَ یَهْدی بِهِ کَثیراً وَ ما یُضِلُّ بِهِ إِلاَّ الْفاسِقینَ**» (البقره،۲۶). بنابراین انسان نیاز به هدایت و قرار گرفتن در مسیر صحیح دارد چنانچه در سوره حمد نیز مورد تاکید قرار گرفته است: «**اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقیمَ**» (الفاتحه،۶). ربوبیت خداوند و سیطره و علم او بر عالم هستی اقتضا می‌کند که چنین نیازی را پاسخ بگوید: «**إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ یَضِلُّ عَنْ سَبیلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدین**» (الانعام، ۱۱۷). بنابراین مساله هدایت، از جمله شئون رب است که به انسان تعلق می‌گیرد و او را

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

در مسیر صحیح قرار می‌دهد: «أُولئِکَ عَلی هُدیً مِنْ رَبِّهِمْ وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (البقره، ۵). اما انسان نیز نیاز به ایمان و عمل صالح دارد تا بتواند در این هدایت را دریافت کرده و تحت ربوبیت خداوند پرورش یافته و در مسیر صحیح گام بردارد: «إِنَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ یَهْدیهِمْ رَبُّهُمْ بِإیمانِهِمْ تَجْری مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهارُ فی جَنَّاتِ النَّعیمِ» (یونس، ۹) و نهایتاً به هدایت خاص و صراط مستقیم برسد: «قُلْ إِنَّنی هَدانی رَبِّی إِلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ دیناً قِیَماً مِلَّةَ إِبْراهیمَ حَنیفاً وَ ما کانَ مِنَ الْمُشْرِکینَ» (الانعام،۱۶۱).

اما هدایت، خود لوازم و شئونی دارد که همگی واسطه‌هایی هستند برای ربوبیت خداوند در مسیر هدایت انسان؛ این شئون عبارتند از:

۵-۷-۱. نزول کتاب و شریعت

از جمله واسطه‌های هدایت انسان به سوی سعادت، کتاب و شریعتی است که انبیاء و رسل از جانب خداوند بر قوم خود عرضه می‌کردند. عمل به کتاب و شریعتِ نازل شده از سوی رب، باب نعمات را بر روی عمل کنندگان خواهد گشود: «وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقامُوا التَّوْراةَ وَ الْإِنْجیلَ وَ ما أُنْزِلَ إِلَیْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَکَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَ کَثیرٌ مِنْهُمْ ساءَ ما یَعْمَلُونَ» (المائده،۶۶). رسالت پیامبران ابلاغ یا رساندن است بدین معنا که باید آنچه از جانب رب دریافت کرده‌اند را بر مردم عرضه کرده و آنان را آگاه نمایند: «یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرینَ» (المائده،۶۷). پیامبران نیز همواره تاکید داشته‌اند که آنچه بر قوم خود عرضه می‌کنند از جانب رب نازل شده است: «أَ فَغَیْرَ اللَّهِ أَبْتَغی حَکَماً وَ هُوَ الَّذی أَنْزَلَ إِلَیْکُمُ الْکِتابَ مُفَصَّلاً وَ الَّذینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّکَ بِالْحَقِّ فَلا تَکُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرینَ» (الانعام، ۱۱۴). از سوی دیگر، مردم نیز وظیفه دارند از آنچه بر آنان به واسطه پیامبران نازل شده تبعیت کنند و جز رب العالمین کسی را به عنوان ولی برنگزینند: «اتَّبِعُوا ما أُنْزِلَ إِلَیْکُمْ مِنْ رَبِّکُمْ وَ لا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِیاءَ قَلیلاً ما تَذَکَّرُونَ» (الاعراف،۳).

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

۵-۷-۲. نزول آیه

آیه، نشانه است برای آنچه بدان اشاره دارد. انسان برای هدایت به سوی رب، نیاز به آیات دارد و خداوند این آیات را برای او به واسطه رسولانش ارسال می‌کند: «**وَ رَسُولاً إِلی بَنی إِسْرائیلَ أَنِّی قَدْ جِئْتُکُمْ بِآیَةٍ مِنْ رَبِّکُمْ أَنِّی أَخْلُقُ لَکُمْ مِنَ الطِّینِ کَهَیْئَةِ الطَّیْرِ فَأَنْفُخُ فیهِ فَیَکُونُ طَیْراً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِئُ الْأَکْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أُحْیِ الْمَوْتی بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُنَبِّئُکُمْ بِما تَأْکُلُونَ وَ ما تَدَّخِرُونَ فی بُیُوتِکُمْ إِنَّ فی ذلِکَ لَآیَةً لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ**» (آل‌عمران، ۴۹). انسان در برابر آیاتی که بر او عرضه می‌شود باید تقوای بورزد که خود باعث می‌شود به خداوند نزدیک‌تر شود: «**وَ مُصَدِّقاً لِما بَیْنَ یَدَیَّ مِنَ التَّوْراةِ وَ لِأُحِلَّ لَکُمْ بَعْضَ الَّذی حُرِّمَ عَلَیْکُمْ وَ جِئْتُکُمْ بِآیَةٍ مِنْ رَبِّکُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطیعُونِ**» (آل‌عمران، ۵۰). در مقابل تقوا، قرآن کریم انسان را از اعراض بر حذر داشته و کسانی که از نشانه‌های پروردگار رویگردانده‌اند را نکوهش می‌کند: «**وَ ما تَأْتیهِمْ مِنْ آیَةٍ مِنْ آیاتِ رَبِّهِمْ إِلاَّ کانُوا عَنْها مُعْرِضینَ**» (الانعام، ۴).

همین معنا را می‌توان در آیاتی شامل کلیدواژه‌های برهان، بصیرت و بینه مشاهده کرد:

در مسیر هدایت انسان، ارسال برهان نیز از مصادیق ربوبیت به حساب می‌آید. برهان همراه است با نزول نوری روشنگر برای انسان: «**یا أَیُّهَا النَّاسُ قَدْ جاءَکُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ أَنْزَلْنا إِلَیْکُمْ نُوراً مُبیناً**» (النساء،۱۷۴). پس از دریافت برهان انسان باید به سوی ایمان پیش برود و به خداوند تمسک بجوید تا به سوی صراط مستقیم هدایت شود: «**فَأَمَّا الَّذینَ ءَامَنُواْ بِاللَّهِ وَ اعْتَصَمُواْ بِهِ فَسَیُدْخِلُهُمْ فی رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَ فَضْلٍ وَ یهَدیهِمْ إِلَیْهِ صِراطًا مُّسْتَقِیمًا**» (النساء، ۱۷۵) همانطور که یوسف (ع) توانست پس از دیدن برهان پروردگارش از گناهی که در معرض آن قرار گرفته بود دوری کند و در زمره بندگان مخلص خداوند درآید: «**وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِها لَوْ لا أَنْ رَأی بُرْهانَ رَبِّهِ کَذلِکَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَ الْفَحْشاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبادِنَا الْمُخْلَصینَ**» (یوسف، ۲۴). از سوی دیگر، موسی (ع) پس از ارائه دو برهان از سوی رب، با تکذیب فرعون و قومش مواجه شد که از فاسقان بودند: «**اسْلُکْ یَدَکَ فی جَیْبِکَ تَخْرُجْ بَیْضاءَ مِنْ غَیْرِ سُوءٍ وَ اضْمُمْ إِلَیْکَ جَناحَکَ مِنَ الرَّهْبِ فَذانِکَ بُرْهانانِ مِنْ رَبِّکَ إِلی**

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

فِرْعَوْنَ وَ مَلائِهِ إِنَّهُمْ كانُوا قَوْماً فاسِقِينَ» (القصص،۳۲). بنابراین بار دیگر تاکید بر نوع برخورد انسان است که سرنوشت او را تعیین می‌کند.

بصائر آن دلایلی است که باعث می‌شود انسان به وسیله آن هر چیز را آنگونه که هست ببیند (طبرسی، ۵۳۵/۴). بصائر نیز همراه است با هدایت و با آمدنش هدایت و رحمت خداوند نیز بر انسان عرضه خواهد شد: «**وَ إِذا لَمْ تَأْتِهِمْ بِآيَةٍ قالُوا لَوْ لا اجْتَبَيْتَها قُلْ إِنَّما أَتَّبِعُ ما يُوحى إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هذا بَصائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدىً وَ رَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ**» (الاعراف، ۲۰۳). نکته‌ای که در برخورد با بصائر بر آن تاکید می‌شود، آزادی عمل و اختیار انسان که می‌تواند بصائر را مایه روشنایی دیدگانش قرار داده یا آن را نادیده بگیرد: «**قَدْ جاءَكُمْ بَصائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْها وَ ما أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ**» (الانعام،۱۰۴). بنابراین بار دیگر بر نحوه برخورد انسان با واسطه‌های هدایت تاکید شده است.

بینه حجتی برای اثبات حقانیت پیامبر اسلام (ص): «**أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْكِتابُ لَكُنَّا أَهْدى مِنْهُمْ فَقَدْ جاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدىً وَ رَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِآياتِ اللَّهِ وَ صَدَفَ عَنْها سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آياتِنا سُوءَ الْعَذابِ بِما كانُوا يَصْدِفُونَ**» (الانعام، ۱۵۷). هر چند بینه در ارتباط با پیامبر (ص) است و توسط ایشان دریافت می‌شود، به دلیل اینکه حضورش دلیلی است بر اثبات پیامبریشان برای مردم، بنابراین وسیله‌ای برای هدایت انان به سوی خداوند. بنابراین چنانچه مردم ایمان نیاورند، میان آنان و پیامبرشان فاصله خواهد افتاد و مسیر هدایت نیز از دست خواهد رفت: «**قُلْ إِنِّي عَلى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَ كَذَّبْتُمْ بِهِ ما عِنْدي ما تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنِ الْحُكْمُ إِلاَّ لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَ هُوَ خَيْرُ الْفاصِلِينَ**» (الانعام،۵۷). از سیاق آیات چنین برمی‌آید که مراد از بینه قرآن کریم است که حجتی است آشکار چرا که دلالتش روشن و واضح است و به وسیله آن حق و باطل از یکدیگر جدا گشته است (طباطبایی، ۱۱۴/۷ و ۳۸۳). به همین علت قرآن کریم بینه خوانده و کتب پیشینیان را نیز شاهد و پیشرو خود دانسته و هر آنکه انکارش کند از راه هدایت نیز دور شود: «**أَ فَمَنْ كانَ عَلى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شاهِدٌ مِنْهُ وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتابُ مُوسى إِماماً وَ**

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

رَحْمَةً أُولئِکَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَنْ یَکْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلا تَکُ فی مِرْیَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکَ وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لا یُؤْمِنُونَ» (هود، ۱۷).

۵-۷-۳. امداد عام

همانطور که گفته شد ربوبیت خداوند عام است و همه بندگانش را شامل می‌شود. و نیز در فرایند ربوبیت و به ویژه در مسیر هدایت بر اختیار و اراده انسان تاکید شده بنـابراین در صورتی که انسان در مسیر خطا نیر گام بردارد، باز در دایره ربوبیت عام باقی خواهد مانـد. یکی دیگر از شئون ربوبیت خداوند امداد است که به صورت عام به همـه بنـدگانش تعلـق می‌گیرد، اما بنابر مقدماتی که گفته شد، قرار گرفتن انســان در مســیر گمراهــی نیــز او را از دایره ربوبیت عام خارج نمی‌کند و امداد رب همچنــان بــه او تعلــق خواهــد گرفــت: «اللَّـهُ یَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ یَمُدُّهُمْ فی طُغْیانِهِمْ یَعْمَهُونَ» (البقره، ۱۵). بنابراین امداد الهی به هر دو گروه دنیاطلبان یا گمراهان و هدایت شدگان تعلق خواهد گرفت تا در مسیر انتخابی خــود پــیش بروند چرا که عطا و بخشش پروردگار محدود نیست و همه بندگانش را بهــره‌منــد خواهــد داد: «کُلاًّ نُمِدُّ هؤُلاءِ وَ هَؤُلاءِ مِنْ عَطاءِ رَبِّکَ وَ ما کانَ عَطاءُ رَبِّکَ مَحْظُوراً» (الاسراء،۲۰).

۵-۷-٤. گرد آوری مردم

مطابق آیات قرآن، نهایتاً ربوبیت خداوند با جمع میان انسان‌ها تحقق مــی‌یابــد و همــه آن‌ها در پیشگاه رب حضور می‌یابند: «رَبَّنا إِنَّکَ جامِعُ النَّاسِ لِیَوْمٍ لا رَیْــبَ فیــهِ إِنَّ اللَّــهَ لا یُخْلِفُ الْمیعادَ» (آل‌عمران، ۹).

۶- بررسی ربوبیت خاص الهی

افزون بر ربوبیت عام الهی، در بررسی گستره این ربوبیت مشاهده می گردد گروهــی از انسان‌ها مانند پیامبران، مومنان و مجرمان هر کدام متناسب با جایگاه و شرایط ویژه خــود، ربوبیت خاص را نیز دریافت می‌کنند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

۶-۱. ربوبیت خاص در ارتباط با پیامبران

رسالت مهم‌ترین وظیفه‌ای است که خداوند بر عهده بندگان برگزیده خود می‌گذارد و در واقع بندگانی که از سوی خداوند برگزیده شده‌اند وظیفه پیامبری بر عهده ایشان قرار خواهد گرفت: «**وَ کَذلِکَ یَجْتَبیکَ رَبُّکَ وَ یُعَلِّمُکَ مِنْ تَأْویلِ الْأَحادیثِ وَ یُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَیْکَ وَ عَلی آلِ یَعْقُوبَ کَما أَتَمَّها عَلی أَبَوَیْکَ مِنْ قَبْلُ إِبْراهیمَ وَ إِسْحاقَ إِنَّ رَبَّکَ عَلیمٌ حَکیمٌ**» (یوسف، ۶). این وظیفه که در راستای هدایت انسان است همواره با دشواری‌هایی همراه بوده چنانچه گاه رسولان تحت تاثیر این دشواری‌ها قرار گرفته و به مرزهای یأس نزدیک می‌شدند: «**حَتَّی إِذَا اسْتَیْأَسَ الرُّسُلُ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ کُذِبُوا**» (یوسف، ۱۰۹) و قرآن کریم نیز در میان این دشواری‌ها پیامبر(ص) را به استقامت و صبر دعوت می‌کند: «**فَلِذلِکَ فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ کَما أُمِرْتَ**» (الشوری، ۱۵). بنابراین جایگاه رسالت، خاص است و علاوه بر ربوبیت عام، نیاز به ربوبیت خاص و متناسب با این جایگاه نیز دارد که بنده برگزیده خدا را در راستای رسالتی که دارد پرورش می‌دهد. این ربوبیت خاص مطابق آیات قرآن در هفت سطح قابل بررسی است.

۶-۱-۱. ربوبیت خاص در ارتباط با تعلیم رسل

تعلیم پیامبران این بندگان خاص خداوند و در راستای تایید رسالت آن‌هاست و بنابر آیات قرآن، علمی که از جانب رب به پیامبران می‌رسد، مخصوص ایشان است: «**وَ کَذلِکَ یَجْتَبیکَ رَبُّکَ وَ یُعَلِّمُکَ مِنْ تَأْویلِ الْأَحادیثِ وَ یُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَیْکَ وَ عَلی آلِ یَعْقُوبَ کَما أَتَمَّها عَلی أَبَوَیْکَ مِنْ قَبْلُ إِبْراهیمَ وَ إِسْحاقَ إِنَّ رَبَّکَ عَلیمٌ حَکیمٌ**» (یوسف، ۶). این تعلیم خاص به نوعی اتمام نعمت بر پیامبران نیز هست که رب بر آنان ارزانی داشته است. یوسف(ع) این علم را در قالب پیشگویی بر همراهانش در زندان عرضه می‌کند که تاییدی بر پیامبری او نیز هست: «**قالَ لا یَأْتیکُما طَعامٌ تُرْزَقانِهِ إِلاَّ نَبَّأْتُکُما بِتَأْویلِهِ قَبْلَ أَنْ یَأْتِیَکُما ذلِکُما مِمَّا عَلَّمَنی رَبِّی إِنِّی تَرَکْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لا یُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ کافِرُونَ**» (یوسف، ۳۷).

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

۶-۲-۱. ربوبیت خاص در ارتباط با بعثت

در مرتبه بعدی، بعثت رسولان باعث می‌شود تا آنان با تعلیم قوم خود به هدایت آنان بپردازند لذا پیامبران واسطه هدایت مردم خواهند شد: «**رَبَّنا وَ ابْعَثْ فیهِمْ رَسُولاً مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِکَ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ یُزَکِّیهِمْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ**» (البقره، ۱۲۹). با آغاز بعثت، پیامبران به کار هدایت برخاسته و با قوم خود روبرو می‌شوند، چنانچه موسی(ع) پس از برانگیخته شدن در کوه طور سراغ فرعون رفته و برای آغاز هدایت با او گفتگو کرد: «**قالَ مُوسی یا فِرْعَوْنُ إِنِّی رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعالَمینَ**» (الاعراف، ۱۰۴). از این پس، همراهی و ایمان به پیامبران است که انسان را به سوی هدایت پیش می‌برد و برایش خیر به همراه دارد: «**یا أَیُّهَا النَّاسُ قَدْ جاءَکُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّکُمْ فَآمِنُوا خَیْراً لَکُمْ وَ إِنْ تَکْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ کانَ اللَّهُ عَلیماً حَکیماً**» (النساء، ۱۷۰). البته در مقابل ایمان، استکبار می‌تواند انسان را از ایمان به پیامبران دور نگه دارد: «**قالَ الْمَلَأُ الَّذینَ اسْتَکْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذینَ اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَ تَعْلَمُونَ أَنَّ صالِحاً مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قالُوا إِنَّا بِما أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ**» (الاعراف، ۷۵).

۶-۱-۳. ربوبیت خاص در ارتباط با وحی

همانطور که گفته شد، پیامبری وظیفه‌ای سنگین و همراه با دشواری‌های بسیار است. همچنین پیامبران پس از مبعوث شدن واسطه هدایت انسان‌ها قرار می‌گیرند. به همین علت، رب با وحی مستقیم اولاً پیامبران را تحت ربوبیت خود قرار می‌دهد تا در سختی‌ها پیش روند: «**اتَّبِعْ ما أُوحِیَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِکینَ**» (الانعام،۱۰۶). ثانیاً با ارائه وحی، آنان را واسطه خود و سایر انسان‌ها قرار می‌دهد: «**قُلْ إِنَّما أَتَّبِعُ ما یُوحی إِلَیَّ مِنْ رَبِّی هذا بَصائِرُ مِنْ رَبِّکُمْ وَ هُدیً وَ رَحْمَةٌ لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ**» (الاعراف،۲۰۳).

۶-۱-٤. ربوبیت خاص در ارتباط با ابتلا

پیش از این ابتلای بنی‌اسرائیل به صورت عام بررسی شد، اما ابتلا در مورد پیامبران به

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

صورت خاص صورت می‌گیرد: «وَ إِذِ ابْتَلی إِبْراهیمَ رَبُّهُ بِکَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قالَ إِنِّی جاعِلُکَ لِلنَّاسِ إِماماً قالَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتی قالَ لا یَنالُ عَهْدِی الظَّالِمینَ» (البقره،۱۲۴). چنانچه از آیه بر می‌آید ابتلا در اینجا برای ابراهیم (ع) باعث شده او در مرتبه امامت قرار بگیرد که جایگاهی اختصاصی است و هر کسی شایستگی آن را ندارد.

۶-۲. ربوبیت خاص در ارتباط با مومنان

انسان به واسطه ایمان به پیامبران و آنچه بر آنان نازل شده، در مسیر هدایت قرار می‌گیرد و در ارتباط با رب تحت ربوبیت خاص قرار میگیرد تا مسیر هدایت را طی کند. به همین علت نیز آنچه در قرآن از آن به عنوان موعظه برای مردم یاد می‌شود برای مومنین به طور خاص، هدایت و رحمت به همراه دارد: «یا أَیُّهَا النَّاسُ قَدْ جاءَتْکُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ شِفاءٌ لِما فِی الصُّدُورِ وَ هُدیً وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنینَ» (یونس، ۵۷). همچنین قرآن کریم از اختصاص رحمت رب بر مومنان در مقابل مشرکان خبر داده و این اختصاص به همراه خیری است که رب به صورت عام بر بندگانش نازل می‌کند: «ما یَوَدُّ الَّذینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ وَ لاَ الْمُشْرِکینَ أَنْ یُنَزَّلَ عَلَیْکُمْ مِنْ خَیْرٍ مِنْ رَبِّکُمْ وَ اللَّهُ یَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظیمِ» (البقره، ۱۰۵). در همین راستا، از پیامبر (ص) می‌خواهد مومنان را از رحمتی که رب به ایشان اختصاص داده و آن را بر خود واجب نموده خبر دهد: «وَ إِذا جاءَکَ الَّذینَ یُؤْمِنُونَ بِآیاتِنا فَقُلْ سَلامٌ عَلَیْکُمْ کَتَبَ رَبُّکُمْ عَلی نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْکُمْ سُوءاً بِجَهالَةٍ ثُمَّ تابَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحیمٌ» (الانعام، ۵۴). در مواردی شبیه به آیه پیشین، همزمان با نزولی عام برای همه، مومنان به طور خاص بهره‌ای متفاوت از دیگران دارند. همچون نزول سکینه به واسطه تابوت برای بنی‌اسرائیل که تأکید شده این واقعه شامل آیه اختصاصی از سوی رب برای مومنان است: «وَ قالَ لَهُمْ نَبِیُّهُمْ إِنَّ آیَةَ مُلْکِهِ أَنْ یَأْتِیَکُمُ التَّابُوتُ فیهِ سَکینَةٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ بَقِیَّةٌ مِمَّا تَرَکَ آلُ مُوسی وَ آلُ هارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلائِکَةُ إِنَّ فی ذلِکَ لَآیَةً لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ» (البقره، ۲۴۸).

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

از دیگر شئون ربوبیت خداوند برای مومنان، تبدیل نعمت‌ها به خیر است. به این معنا که نعمتِ دریافت شده را با بهتر از آن جایگزین می‌کند. چنانچه در سوره کهف نیز اشاره شده، رب نعمت فرزند را از پدر و مادری مومن در عوض خیر می‌ستاند: «**فَأَرَدْنا أَنْ يُبْدِلَهُما رَبُّهُما خَيْراً مِنْهُ زَكاةً وَ أَقْرَبَ رُحْماً**» (الکهف، ۸۱). این جایگزینی همانطور که آیه نیز بدان اشاره دارد برای دور کردن آنان از کفر و در نتیجه پیشروی در مسیر ایمان و رسیدن به هدایت و سعادت ابدی است. در همین راستا، رب العالمین، با دادن پاداش در مقابل ایمان و عملی که مومنان دارند نه تنها آنان را به ادامه مسیر تشویق می‌کند، بلکه خوف و حزن را هم از ایشان دور می‌سازد: «**إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ وَ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّكاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ**» (البقره، ۲۷۷). از سوی دیگر اعطای درجات به مومنان، نشان از رشد و پیشروی ایشان در مسیر هدایت تحت ربوبیت خداوند است و علاوه بر این رب با مغفرت خود خطاهای آنان را پوشانده و در واقع موانع این مسیر را برطرف می‌کند: «**أُولئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَريمٌ**» (الانفال، ۴). طی درجات، باعث می‌شود مومنان در هر مرتبه نیز به تناسب، شئونی از ربوبیت را دریافت کنند به‌طور مثال صابران از رحمت و صلوت رب برخوردار شده و نهایتاً هدایت خواهند شد: «**أُولئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَواتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ**» (البقره، ۱۵۷). همچنین متقین به سوی مغفرت و وسعت بهشت پیش خواهند رفت: «**وَ سارِعُوا إِلى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّماواتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقينَ**» (آل‌عمران، ۱۳۳). در نهایت تثبیت و ماندگاری مومنان در راه ایمان و هدایت نیز از سوی رب تضمین شده است تا مومن از لغزش‌ها و خطرهای پیش رویش در امان باشد: «**قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذينَ آمَنُوا وَ هُدىً وَ بُشْرى لِلْمُسْلِمينَ**» (النحل، ۱۰۲).

۶-۳. ربوبیت خاص در ارتباط با مجرمان

پیش از این گفته شد وسعت ربوبیت خداوند همه عالم و همه بندگانش را فراگرفته است بنابراین کسانی که در مسیر هدایت قرار نگرفته یا از آن منحرف شده‌اند نیز همچنان

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

تحت ربوبیت خداوند هستند. اما علاوه بر شئون عام ربوبیت، در باره این افراد ربوبیت خداوند به صورت خاص در دو جهت مهلت دادن و عقاب کردن جریان دارد. مقصود از مجرمان در این بخش کسانی هستند که به هر نحوی از مسیر هدایت خداوندی خارج شده و یا دست به عمل ناپسند می‌زنند. در این میان، دلبستگان به دنیا ممکن است مهلت یابند و به ظاهر در زندگی دنیا به رفاه و آسایش و زینت‌های آن دست یابند اما این کامرانی موقت در واقع از سوی رب به آنان اعطا شده است: «وَ قالَ مُوسی رَبَّنا إِنَّکَ آتَیْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَأَهُ زینَةً وَ أَمْوالاً فِی الْحَیاةِ الدُّنْیا رَبَّنا لِیُضِلُّوا عَنْ سَبیلِکَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلی أَمْوالِهِمْ وَ اشْدُدْ عَلی قُلُوبِهِمْ فَلا یُؤْمِنُوا حَتَّی یَرَوُا الْعَذابَ الْأَلیمَ» (یونس، ۸۸). اما گاه ارتکاب بعضی گناهان منجر به غضب رب شده و باعث خواری گناهکاران در دنیا می‌شود. مانند کسانی از قوم موسی(ع) که تابع سامری شدند: «إِنَّ الَّذینَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَیَنالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ ذِلَّةٌ فِی الْحَیاةِ الدُّنْیا وَ کَذلِکَ نَجْزِی الْمُفْتَرینَ» (الاعراف، ۱۵۲). همچنین قوم هود(ع) در پی مجادله‌ی با او گرفتار غضب خداوند شدند: «قَالُواْ أَ جِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَ نَذَرَ مَا کَانَ یَعْبُدُ ءَابَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن کُنتَ مِنَ الصَّادِقِینَ؛ قالَ قَدْ وَقَعَ عَلَیْکُمْ مِنْ رَبِّکُمْ رِجْسٌ وَ غَضَبٌ أَ تُجادِلُونَنی فی أَسْماءٍ سَمَّیْتُمُوها أَنْتُمْ وَ آباؤُکُمْ ما نَزَّلَ اللَّهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ فَانْتَظِرُوا إِنِّی مَعَکُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرینَ» (الاعراف، ۷۰ و ۷۱). اینگونه عذاب‌ها که در دنیا برای اقوام رخ داده نمونه‌هایی از سریع العقاب بودن رب است که همراه با رحمت و مغرتش به آن اشاره شده: «وَ هُوَ الَّذی جَعَلَکُمْ خَلائِفَ الْأَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَکُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجاتٍ لِیَبْلُوَکُمْ فی ما آتاکُمْ إِنَّ رَبَّکَ سَریعُ الْعِقابِ وَ إِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحیمٌ» (الانعام، ۱۶۵). مطابق این آیه در فرایند ابتلای انسان، گاه خطاها و گناهانش سریع پاسخ داده می‌شوند و در نتیجه عقاب رب به او می‌رسد و در پایان آیه بر مغفرت و رحمت نیز تاکید شده است که سوی دیگر برخورد رب‌العالمین با گناهان بندگانش است. همچنین ممکن است سرعت در عقاب الهی خود جلوه‌ای از رحمت باشد تا بندگان بیش از این دچار خطا نشده و به واسطه عقابی که دریافت کرده‌اند از ادامه مسیر اشتباه بپرهیزند. اما در صورتی که گناهان یک قوم فزونی

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

یافته و بر آن‌ها چیره شود، جایگزینی قوم خطاکار با قوم دیگر توسط رب انجام می‌شود: «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ ما أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَ يَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْماً غَيْرَكُمْ وَ لا تَضُرُّونَهُ شَيْئاً إِنَّ رَبِّي عَلى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ» (هود، ۵۷). قوم عاد پس از تکذیب فرستادگان خداوند و آیات او، تبعیت از گردنکشان را به تبعیت از فرستادگان خدا ترجیح داده و اینگونه از مسیر هدایت خارج شدند: «وَ تِلْكَ عَادٌ جَحَدُواْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ عَصَوْاْ رُسُلَهُ وَ اتَّبَعُواْ أَمْرَ كلُ جَبَّارٍ عَنِيدٍ» (هود، ۵۹).

اختلاف میان اقوام و پیامبرانشان یا میان خودشان با یکدیگر، مانع دیگری در مسیر هدایت انسان است. این اختلافات به گفته قرآن کریم اقوام را از صدقی که در ابتدا داشته و به واسطه آن از خداوند رزق دریافت می‌کرده‌اند دور می‌ساخته: «وَ لَقَدْ بَوَّأْنا بَنِي إِسْرائِيلَ مُبَوَّأَ صِدْقٍ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ فيما كانُوا فيهِ يَخْتَلِفُونَ» (یونس، ۹۳). مطابق این آیه، قضاوت میان آنان به قیامت واگذار شده و بر عهده رب العالمین است. همانطور که حکم اختلاف کنندگان نیز در روز قیامت به عهده رب است: «إِنَّما جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذينَ اخْتَلَفُوا فيهِ وَ إِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ فيما كانُوا فيهِ يَخْتَلِفُونَ» (النحل، ۱۲۴) روزی که همگی در پیشگاه او جمع شوند و هر یک در سوی خود قرار بگیرد چرا که او به دانایی داوری خواهد کرد: «قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنا رَبُّنا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنا بِالْحَقِّ وَ هُوَ الْفَتَّاحُ الْعَليمُ» (سبا، ۲۶).

۷- نتایج مقاله

۷-۱. گستره ربوبیت شامل همه مخلوقات است و رب العالمین به واسطه خلقت عالم هستی، آن را یکپارچه تحت ربوبیت خود دارد.

۷-۲. انسان نیز به عنوان مخلوق خداوند، از ربوبیت او بی بهره نیست و از یک سو همچون سایر مخلوقات از ربوبیت عام او بهره می‌برد و از سوی دیگر به واسطه ارتباط خاصی که می‌تواند با رب برقرار سازد از ربوبیت خاص او نیز بهره‌مند می‌شود.

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

۷-۳. انسان با عبادت رب العالمین نسبت خاص خود را با او برقرار می‌کند و در ادامه با تقوا ورزیدن، این نسبت را نزدیک‌تر می‌سازد.

۷-۴. در این رابطه خاص، انسان به نسبت جایگاهی که دارد از شئون خاص ربوبیت بهره‌مند می‌شود و به این ترتیب پیامبران و مومنان هر کدام به تناسب، مورد حمایت و امداد رب قرار می‌گیرند.

۷-۵. عمومیت ربوبیت باعث می‌شود، همه انسان‌ها حتی دنیاطلبان، مجرمان و گناه-کاران نیز تحت این ربوبیت قرار بگیرند. اما به طور خاص نیز این افراد در شرایط مختلف از ربوبیت خاص خداوند بهره می‌برند.

۷-۶. بنابراین خداوند از حیث ربوبیتش با همه انسان‌ها مرتبط و آنان را تحت تربیت خود دارد. این تربیت به طور خاص و متناسب با اعمالی که انسان انجام می‌دهد جزئی شده و اسباب و امکانات لازم برای طی مسیر را به او می‌دهد. حال چه این مسیر در جهت رشد و تعالی الهی او باشد و چه در جهت عکس، ربوبیت الهی او را دربرگرفته و در مسیرش پیش می‌برد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج۱۶، بیروت، دارصادر، داربیروت. ۱۳۷۵ش.

۳. بهجت‌پور، عبدالکریم، سلطانی، محمد، روش طرح مفهوم ربوبیت در قرآن، مجله پرتو وحی، شماره۲، ۱۳۳ــ۱۵۴. ۱۳۹۴ش.

۴. ترابی، احمد، ربوبیت و تربیت، پژوهشهای قرآنی، شماره۶۱، ۴ـ ۲۰، ۱۳۸۹ش.

۵. جوادی طبری آملی، عبدالله، تسنیم فی تفسیر القران، قم، انتشارات اسراء، ج۲، ۱۳۷۸ ش.

۶. همو، تسنیم فی تفسیر القران، قم، انتشارات اسراء، ج۳، ۱۳۸۰ش.

۷. حسینی اعظم، مطیع مهدی، پیشنهاد الگویی بر متناسب‌سازی روش‌های معناشناسی در مطالعات قرآنی، نشریه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال ۲، شماره ۱، ۱۳۹۲ش.

۸. راستیان، ابراهیم و ابراهیم خانی، نسبت عدالت و ربوبیت حق تعالی از منظر قرآن کریم، مجله بلاغ مبین، شماره ۳۸ـ۳۹، صص۳۳ـ۵۲، ۱۳۹۳ش.

۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، دمشق، دارالقلم ،۱۴۱۶ق.

۱۰. زبیدی، محمدمرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالهدایه، ۱۳۸۵ش.

۱۱. سعیدی روشن، محمدباقر، علوم قرآن، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۷ش.

۱۲. سلطانی، محمد. توحید ربوبی و توحید بندگی از دیدگاه عرب جاهلی و روش قرآن در برخورد با آن، دو فصلنامه پرتو وحی، شماره ۱، صص ۳ـ۲۰، ۱۳۹۵ش.

۱۳. سیوطی، جلال الدین، المزهر فی علوم اللغه و أنواعها، بیروت، مکتبه العصریه صیدا،۱۹۸۶ق.

۱۴. شریف قریشی، باقر، النظام التربوی فی الاسلام، مهر امیرالمومنین، ۱۳۸۵ش.

۱۵. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان ترجمه موسوی، محمدباقر، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.

۱۶. طباطبایی، محمدرضا، صرف ساده، قم، دارالعلم، ۱۳۶۱ش.

۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق‌هاشم رسولی محلاتی، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۲ش.

۱۸. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.5.6]